

پیشینه زبان پارسی باستان

۲۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۱۰

زبان ایرانیان دوره هخامنشی را به نام فرس باستان یا فرس هخامنشی یا پارسی باستان می‌شناسیم. این زبان از یک سو با زبان سانسکریت همان زبانی که نسک‌های کتاب‌های دینی برهمنان هند بدان نوشته شده همانندی دارد و از سوی دیگر با زبان اوستایی و هر سه از یک ریشه هستند.

زبان ایرانیان دوره هخامنشی را به نام فرس باستان یا فرس هخامنشی یا پارسی باستان می‌شناسیم. این زبان از یک سو با زبان سانسکریت همان زبانی که نسک‌های کتاب‌های دینی برهمنان هند بدان نوشته شده همانندی دارد و از سوی دیگر با زبان اوستایی و هر سه از یک ریشه هستند. برجسته‌ترین نوشتارهایی که از زبان پارسی باستان در دست است سنگ‌نبشته‌های هخامنشی است که از دوره ی کوروش بزرگ و پس از آن بر سینه کوه‌ها با واج‌های میخی نوشته شده است. از این سنگ‌نبشته‌ها دورو بر پانصد واژه به زبان پارسی باستان دیده می‌شود.



افزون بر سنگنبشته‌ها شماری کاسه و کوزه به دست آمده که بر آنها نیز واژه‌هایی کنده شده است. پس از سنگنبشته‌ها و مهرهای دوره ی هخامنشی، سرچشمه‌ی دیگری برای آشنا شدن با واژه‌های پارسی باستان هست، که در ارزشمندی همتای بن مایه‌ی نخستین میباشد. ناگفته نماند که گذشته نگاران مورخینیونانی برخی واژه‌ها را به گونه‌ای بازگنموده‌اند که بسیار کم دگرگون شده، و با نگرش به این که یونانیان واژه‌های پارسی باستان را چگونه برگردان میکرده‌اند، و کدام واچ پارسی به کدام واچ یونانی برگردان میشود، به آسانی میتوان پی برد که این نام‌ها به پارسی باستان چه بوده، و چون نام‌های ویژه‌خاصگاهی چند ریشه دارد به این گونه که یک نام همگانی (عام) با نامی دیگر یا با کارشد(فعل) و یا یک ویژگی(صفت) آمیخته شده، از این گونه نام‌ها هم واژه‌هایی به دست می‌آید، برای نمونه نام سردار پارسی را که در جنگ گرانیکوس با اسکندر نبرد کرد، برخی از گذشته نگاران یونانی Spithradates نوشته‌اند، و چون یونانیان س پارسی باستان را گاهی با th الفبای خود یکسان دانسته‌اند،

و نام را با آن نوشته‌اند، بی‌گمان میتوان گفت که این نام در پارسی باستان Spithradata بوده، به چم (معنای) داده سپهر و سپهر را به زبان پارسی باستان Spithra می‌نوشته‌اند. چنانکه مهر را Mithra میسر می‌نوشته‌اند. این گونه نام‌های ویژه که یونانیان تا اندازه‌ای درست برگردان نموده‌اند، و از آن میتوان واژه‌هایی به دست آورد، کم نیست. و نیز چنین است واژه‌ی Staspes که یونانی شده Sataspa پارسی باستان میباشد، و به زبان امروزی سد اسب گوییم بنابرین از دو نام گفته شده دو واژه به دست می‌آید که در سنگنبشته‌ها نیست Spithra که برگردان سپهر است و Sat که برگردان سد ۱۰۰ میباشد.

پیداست که اینکار را در همه‌گاه نمیتوان کرد زیرا برخی نامها به اندازه‌ای دگرگونی یافته که لغزش گیری آن شدنی نیست، و در زمان‌هایی هم که خود واژه رامیتوان پیدا کرد، باید دیکته‌ی واژه‌ی دگرگون یافته در زبان یونانی هم نگرشی داشت، زیرا نام‌های ایرانیان باستان که در نوشته‌های گذشته نگاران یونانی دیده میشود، دگرگون شده و سپس به زبان‌های دیگر اروپایی رفته و باز دگرش یافته است کوتاه سخنانکه با نگرش به آنچه گفته شد گاهی میتوان در این زمینه به آماجمان دست یابیم.

آیا پارسی باستان، زبان گفت و شنود(محاوره‌ای) دربار و مردم دوره ی هخامنشی بوده یا زبانی ویژه‌ی بهره‌گیری در فرمانها و سنگنبشته‌ها؟! اگر چه پاسخ روشنی به این پرسش نمیتوان داد، زنهار چون در سنگنبشته‌های پادشاهان هخامنشی، به ویژه پادشاهان واپسین آن دوره، لغزش‌های دستوری یافته‌اند، دانشمندان بر این باورند که این زبان در دوره ی هخامنشیان هم پیر شده بود و آن را به گونه‌ای همیشگی در گفتارها و پیام‌های کشوریشان به کار میبرده‌اند، و چون زبان گفت و شنود و نوشتارهای اینچنینی ساده تر بود همه این زبان را به خوبی نمیدانستند، بنابراین لغزش‌های گفته شده براینند لغزش دبیران دفتر خانه هاست. درستی این باور را برخی یافته‌ها نمایان میکنند، زیرامی بینیم که برخی از نامهای ویژه چنانکه در سنگنبشته‌ها آمده با آنچه که در نگارش امروزی آنان آورده‌اند، ناهمخوانی دارد، برای نمونه نام داریوش در سنگنبشته‌ها Darayavaush است لیکن در تورات Daryush و یونانیان آن را Daryos نوشته‌اند ریشه ی شین در زبان یونانی نبود و آن را سین میخواندند و نیز اردشیر را در

سنگنبشته ها Artaxshathra نوشته اند، ولی کتزیاس گزشته نگاریونانی نام دو تن از مردان درباری را Artasiras نوشته است، و اگر به جای سین، شین بگذاریم و سین واپسین را هم که یونانی است نادیده بگیریم Artashira یا Artashira میشود و پیداست هر دو ساده تر از ارتخشتره و به زبان امروزی ما نزدیکتر است.

به هر روی برخی از زبان شناسان بر این باورند که در دوره هخامنشیان به ویژه در پایان آن دوره به همان زبان پهلوی یا به زبانی که بسیار بدان نزدیک بوده سخن میرانده اند، و پارسیب استان چنانکه در سنگنبشته ها به کار می رفته، رو به نابودی بوده است.

با وجود این، نشانه های دیگر میرساند که زبان ادبی آن روزگار همان زبان پارسی باستان است که بدان چکامه ها، سرودها، فرمانها، رویدادها و نامه ها و... را میگفته اند و می نوشته اند. یادمان های هخامنشی به زبان پارسی باستان سنگنبشته های پادشاهان هخامنشی به دبیره ی میخی هخامنشی نوشته شده است. از این پادشاهان سلم ها (لوح ها) و سنگ نبشته هایی به جا مانده:

اریارمنه، ارشامه، کوروش بزرگ - داریوش بزرگ - خشیارشا - اردشیر - اردشیر دوم - اردشیر سوم - بیشتر این نوشته ها در بدنه کوه یا دیوارهای کوشکها و ستونها کنده کاری شده، همچون کوه بغستان بیستون و الوند و وان ارمنستان و شوش و تخت جمشید و تنگه سوئز مسر (کشور مصر) و جز اینها، و نیز چند نگین و مهر که دارای نامهایی است و چند کاسه و کوزه که به چهار دبیره ی پارسی باستان، ایلامی، بابلی و نگاره ای کنده کاری شده است چند سال پیش نیز نوشتارهای زرگون و سیمین در تخت جمشید و همدان به دست آمده است. این سنگنبشته ها و سلم ها بیشتر به سه زبان و دبیره است: نخست به زبان پارسی باستان، دو دیگر به زبان ایلامی و سهدیگر به زبان بابلی که با زبان آشوری تنها در گویش دارای ناهمسانی میباشند است. این دو زبان (دومی و سومی) که برگردان پارسی است، بهر یک به دبیره ی میخی ویژه ی خود نوشته شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۵۱۰۷/باستان-پارسی-زبان-پیشینه/>